

سال دوم

جلسه ۹۹

سال تحصیلی ۹۰ - ۹۱

۱۸ / ۲ / ۹۱ دوشنبه

بحث سوم:



بنای مرحوم اصفهانی

✓ وجود بالذات و بالعرض «لفظ» :

وجود لفظ، بالذات «کیف مسموع» است و بالعرض «معنای مستعمل فیه» است.

حال مراد چیست ؟

احتمال اول

اگر مراد آن است که :

لفظ، وجود بالعرض و لفظی مفرد مذکر است

پس : استعمال این لفظ، باعث پیدایش «وجود جعلی مفرد مذکر» می شود.

اما : در این صورت «اشاره» کجاست؟ و چگونه این لفظ بر اشاره دلالت دارد؟

احتمال دوم

اگر مراد آن است که :

لفظ، وجود لفظی است برای «زیدی که با این لفظ به آن اشاره شده»

در این صورت می گوئیم :

قبل از استعمال لفظ «هذا» باید این معنی تصور شود

در حالیکه «به آن اشاره شده» با استعمال حاصل می شود

پس : این حرف مستلزم «تقدم الشئ علی نفسه» است.

احتمال سوم

اگر مراد آن است که :

و اگر مراد آن است که لفظ، وجود لفظی است برای آلت اشاره

در این صورت می گوئیم :

پس معنای «هذا» مفرد مذکر نیست بلکه «آلت اشاره» است

در حالیکه مرحوم آخوند می فرمود، معنای «هذا» مفرد مذکر است.

اما : اشاره مثل لحاظ آلی و استقلالی نیست که مقوم استعمال بودند و به فرموده مرحوم آخوند

ممکن نبود آنها را داخل موضوع له قرار دهیم

بلکه می توان «اشاره» را داخل موضوع له هم اعتبار کرد

نکته

اشاره مثل لحاظ آلی و استقلالی نیست که مقوم استعمال بودند
و به فرموده مرحوم آخوند ممکن نبود آنها را داخل موضوع له قرار دهیم
بلکه می توان «اشاره» را داخل موضوع له هم اعتبار کرد

نکته

مرحوم خوبی

اشاره از اموری نیست که لازم باشد حتماً در مرحله استعمال واقع شود.

معنای اشاره :

۱. «اشاره کردن» : یعنی استعمال لفظ در معنی

= این ربطی به اسماء اشاره ندارد بلکه همه الفاظ در معنایشان استعمال می شوند.

۲. مراد چیزی زائد بر استعمال است

= پس حتماً باید آن را در موضوع له، داخل کنیم.

توضیح مبنای خویش

مرحوم اصفهانی

موضوع له اسماء اشاره و ضمایر :

«معنا» (مصدق مفرد مذکر) در حالیکه آن معنی مورد اشاره خارجی یا ذهنی قرار گرفته است

تحقق اشاره لفظی با اشاره خارجی!

«هذا» وقتی بر زید صدق می کند که زید با دست یا چشم، مشارّ الیه شده باشد

تفاوت «مشارّ الیه» و «هذا»

«مشارّ الیه» = مفهومی اسمی است / «هذا» = مصداق و حقیقت مشارّ الیه است

وضع در اسماء اشاره، «عام» و موضوع له «خاص» است

(الف)

ما می گوئیم

مرحوم اصفهانی

هیچ دلیلی بر بطلان مبنای مختار (جعله آلة للاشارة) اقامه نکرده اند

(ب) = اشاره مرحوم اصفهانی به سه مبنا

ما می گوئیم

مبنای اول : مبنای مرحوم آخوند
«موضوع له «هذا» مفرد مذکر است

اولا :

مراد آخوند ممکن است این باشد = اشاره، «شرط واضح» باشد
در این صورت مراد آخوند، آن است که :
لفظ، وجود لفظی مفرد مذکر است

**دفاع ما از مرحوم
آخوند**

ثانیا :

ممکن است مراد مرحوم آخوند = حرفی باشد که مرحوم عراقی مطرح
کرده است

(ب) کلام مرحوم عراقی

ما می گوئیم

موضوع له اسماء اشاره :

وضع شده اند برای معروض اشاره (مفرد مذکر) اما در حال اشاره.

پس اشاره و تقيّد به آن در موضوع له اخذ نشده است.

بلکه موضوع له، حصّه ای از عنوان مبهم (مفرد مذکر) است (حصّه ای که عبارت باشد از «مفرد مذکر در حال اشاره») ولی مقیّد به اشاره هم نشده است

(ب) = اشاره مرحوم اصفهانی به سه مبنا

موضوع له لفظ «هذا» :

«المشار الیه المفرد المذکر»، از آن حیث که متعلق اشاره واقع می شود

در این صورت = اشاره، مرآت ملاحظه آن مفرد مذکر است.

«المشار الیه المفرد المذکر»، فی نفسه یک مفهوم کلی است
و اگر بخواهیم آن را اراده کنیم حتماً در ضمن فردی از افراد این مفهوم
است

**مبنای دوم : مبنای
هدایه المسترشدین**

چراکه بالبداهة اشاره از جزئیات «اشاره» است

و بالبداهة اشاره، اقتضا می کند که مشاراً الیه معین باشد

(ب) = اشاره مرحوم اصفهانی به سه مبنا

ما می گوئیم

نتیجه سخن ایشان :

«مشارّ الیه» داخل در موضوع له است

و جزئیت، ناشی از «اشاره» است

چه اشاره خارجی و چه اشاره لفظیه

**مبنای دوم : مبنای
هدایه المسترشدین**